

Pattern Expansion of knowledge-based regionalism in the foreign policy of the Islamic Republic of Iran; Normative structure and institutional and social requirements

Received: 2021-05-31

Accepted: 2020-09-19

Razieh Mehrabi Koushki *

The purpose of this study is to explain the pattern of regionalism of scholars in the Islamic Republic of Iran, its structure and requirements in the field. This model and its application in the field of foreign relations has always been an important issue in the neighborhood and in the field of civilization of the Islamic world. Some emphasize isolationism due to the existing identity differences, and some idealistic, ideological interpretations, far from the realities of the action scene, confront Iran with consequences such as Iranophobia and identity tensions with the surrounding environment. It seems that the drawing path in the statement of the second step of the revolution, by strengthening its requirements, preserving its values and fundamental principles, will provide the most constructive interaction with the surrounding environment in order to provide the national interests of the country optimally in a win-win game. The main question of the article is that the model of the statement of the second step of the revolution in explaining the future status of the Islamic Republic of Iran in the regional and neighborhood system presents a model and what is the normative structure and institutional and social requirements for its realization? Based on the statements of the statement and using the existing theories and experiences, it is possible to reach a pragmatic framework in which science and technology are the focus of the Islamic Republic of Iran's relations in the surrounding region to achieve development and progress within



Vol 24, No. 94, Summer 2021

* Assistant Professor, Faculty of Technology Studies Institute, Tehran, Iran (mehrabi@tsi.ir).

civilization while de-escalating tensions.

The results of the study showed that the most appropriate context for regionalism is relying on the capacities of science and technology and the economy based on it. Also, the principles and rules of conduct should be built towards building a determined, progressive, reliable and flexible image of Iran, in addition to strengthening science and technology diplomacy, appropriate reforms in the institutional structure, especially in the Ministry of Foreign Affairs. Attention to powerful intermediaries, namely the social forces of the region, is another proposition that brings this model closer to Iran's success and security.

Keywords: Foreign Policy, Regionalism, Science And Technology Diplomacy, The Power Of Loose Links, The Statement Of The Second Step Of The Revolution.



بسط الگوی منطقه‌گرایی دانش‌بنیان در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ ساختار هنجاری و الزامات نهادی و اجتماعی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۳/۱۰

تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۶/۲۸

راضیه مهربانی کوشکی *



هدف پژوهش حاضر تبیین الگوی منطقه‌گرایی دانش‌بنیان جمهوری اسلامی ایران، ساختار و ملزومات آن در میدان عمل است. این الگو و کاربست آن در عرصه روابط خارجی همواره مسئله‌ای مهم در محیط همسایگی و حوزه تمدنی جهان اسلام بوده است. برخی با توجه به تمایزات هویتی موجود، بر انزواگرایی تأکید دارند و برخی تفاسیر آرمان‌گرایانه، ایدئولوژیک و به دور از واقعیات صحنه کنش، ایران را با پیامدهایی چون ایران‌هراسی و تنش‌های هویتی با محیط پیرامونی مواجه می‌نمایند. به نظر می‌رسد، مسیر ترسیمی در بیانیه گام دوم انقلاب با تقویت الزامات، حفظ ارزش‌ها و اصول بنیادین آن، بیش‌ترین تعامل سازنده با محیط پیرامونی را فراهم نماید تا در یک بازی برد - برد منافع ملی کشور در حد بهینه تأمین گردد. سؤال اصلی نوشتار این است که بیانیه گام دوم انقلاب در تبیین وضعیت آینده کنش‌گری جمهوری اسلامی ایران در صحنه نظام منطقه‌ای و همسایگی چه الگویی را ارائه می‌نماید و ساختار هنجاری و الزامات نهادی و اجتماعی تحقق آن چیست؟ با ابتننا بر گزاره‌های بیانیه و بهره‌گیری از نظریات و تجارب موجود، می‌توان به چارچوب عمل‌گرایانه‌ای رسید که در آن علم و فناوری، محور روابط جمهوری اسلامی ایران در

۱. این مقاله بسط ایده‌ای است که در همایش بین‌المللی بیانیه گام دوم انقلاب و جهان اسلام با عنوان «تبیین الگوی منطقه‌گرایی دانش‌بنیان در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران براساس بیانیه گام دوم انقلاب» اسفند ۱۳۹۹ در دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم ارائه شده است.

* استادیار پژوهشکده مطالعات فناوری، تهران، ایران. (mehrabian@tsi.ir)



منطقه پیرامونی قرار گیرد تا ضمن تنش‌زدایی به توسعه و پیشرفت درون تمدنی دست یافت. نتایج مطالعه نشان داد، مناسب‌ترین زمینه منطقه‌گرایی تکیه بر ظرفیت‌های علم و فناوری و اقتصاد مبتنی بر آن است. همچنین اصول و قواعد رفتاری باید به‌سوی ساخت تصویری مصمم، پیش‌رو، قابل‌اعتماد و منعطف از ایران برساخته شود تا در کنار تقویت دیپلماسی علم و فناوری، اصلاحات مناسب در ساختار نهادی به‌ویژه در وزارت امور خارجه انجام پذیرد. توجه به واسطه‌های قدرتمند یعنی نیروهای اجتماعی منطقه‌گزاره دیگری است که این الگو را به موفقیت و تأمین منافع ایران نزدیک می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: سیاست خارجی، منطقه‌گرایی، دیپلماسی علم و فناوری، بیانیه گام دوم انقلاب.

مقدمه

سیاست خارجی تلاش یک کشور برای حفظ، افزایش و کسب قدرت از طریق تعاملات بین‌المللی و خارجی است تا بتواند با ایجاد آثار مطلوب خود در محیط پیرامونی و جهانی و ترغیب دیگران به رفتار موردنظر، دایره انتخاب‌های خود را وسعت بخشد (Nye, 2011; Holsti, 1964). «منطقه‌گرایی»^۱ وسعت عمل دستگاه سیاست خارجی را در اندازه محیط پیرامونی و زیرسیستم منطقه همسایگی مشخص می‌نماید. به بیان دیگر، «منطقه‌گرایی» یعنی دولت‌ها به‌عنوان مهم‌ترین بازیگران صحنه بین‌المللی، تلاش نمایند از مزایا و منابع موجود در زیست پیرامونی خود در چارچوب همکاری‌های منطقه‌ای استفاده کنند و آن را در جهت پیشبرد منافع ملی و اهداف سیاست خارجی خود هدایت نمایند. البته این سیستم ارتباطی به معنای «منطقه‌ای شدن»^۲ نیست، زیرا منطقه‌ای شدن به دنبال اتحاد و ائتلاف اجتماعی، سیاسی و امنیتی است که مدل مطلوب آن اتحادیه اروپاست و با تأسیس نهادی امنیتی، اقتصادی یا سیاسی همراه است (برزگر، ۱۳۹۴ «ب»، ص. ۶).

پتانسیل‌ها و منابع گوناگون ژئوپلیتیک، ژئوکالچر، ژئواکونومیک و فناوریانه محیط‌های منطقه‌ای و همسایگی، بستر منطقه‌گرایی است که عمر و عمق همکاری‌های دوجانبه و

1. Regionalism .
2. Regionalization.



چندجانبه کشورها را تعیین می‌کند. انتخاب مناسب این بستر به لحاظ مزیت نسبی و رقابتی پایدار و میزان نیاز و وابستگی دیگران به آن، دوام این مجموعه ارتباطی را تضمین می‌کند. برای نمونه، توان‌مندی‌های فناورانه، صنعتی، سرمایه‌ای، انرژی و فناوری‌های روز ارتباطی - اطلاعاتی ایران، تا زمانی که در جهت رفع نیازهای متنوع ملت‌های منطقه و یک شراکت برد - برد باشد، دوام خواهد یافت؛ اما تحقق منطقه‌گرایی با ورود به شبکه‌های متنوع همکاری‌های متقابل و ایجاد دوستی‌های پایدار و نسبتاً باثبات، همواره با چالش‌هایی مواجه بوده‌است. عواملی که گاه از ساختار نظام بین‌الملل و تحولات آن برخاسته‌است و تأثیر خود را بر زیرسیستم‌های بین‌المللی و منطقه‌ای اعمال می‌کند و گاه نشأت گرفته از عاملیت و کارگزاران منطقه‌ای و انعکاسی از بحران‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی - سرزمینی و حتی انگاره‌های فکری و هویتی است.

مسئله پژوهش حاضر، آینده‌نگاری در حوزه سیاست خارجی به‌ویژه ترسیم الگوی کنش‌گری کشور در محیط منطقه‌ای و الزامات آن است. امری که نیازمند شناخت زمین بازی، چالش‌های آن و درنهایت طراحی سیستمی بهینه برای همکاری‌های متقابل منطقه‌ای است. پیشینه پژوهشی این موضوع، یا بر تبیین و ارزیابی الگوهای گذشته و جاری متمرکز است یا بر توصیف موانع و پیشران‌های محدودکننده آینده، که الگوی عملیاتی و مشخصی برای ایران پیش‌رو ارائه نمی‌نمایند.

برای نمونه، میرحسینی و عیوضی (۱۳۹۸) در بررسی سناریوهای آینده جایگاه ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران در نظام قدرت منطقه‌ای غرب آسیا در افق ۱۴۱۰، با ارزیابی دو پیشران «رابطه ایران و عربستان» و «میزان مداخله آمریکا» به‌عنوان مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر آینده، چارچوب هنجاری و نهادی مشخصی برای عبور از موانع ساختاری رایج ارائه نداده‌اند.

در اثری دیگر، شیخون و طالبی‌آرانی (۱۳۹۹) به مقوله منطقه‌گرایی نوین ایران در خلیج فارس پرداخته‌اند. این پژوهش، با تحلیل انباشت‌های نظری و مطالعات منطقه‌ای و تمرکز بر شناسایی آینده‌های ممکن، مطلوب و محتمل، نشان می‌دهد حداقل تا آینده نزدیک، زمینه هم‌گرایی در منطقه وجود نخواهد داشت و امکان بروز اشکال جنینی و کم‌مایه وجود دارد.

البته سیمبر (۱۳۸۵) نگاه امیدوارانه‌تری دارد. نویسنده با پرداختن به منطقه‌گرایی و صلح‌سازی در خلیج فارس، تحقق صلح از بستر منطقه‌گرایی را منوط به تبادلات فرهنگی،



همکاری‌های علمی و نخبگی و نیز شکل‌دهی به بلوک اقتصادی می‌داند؛ البته با تمرکز بیشتر بر تبیین‌های نظری، قواعد و چارچوب مشخص رفتاری و نهادی برای آن پیش‌بینی نکرده‌است.

با وجود حجم بالای پژوهش‌های موانع منطقه‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، که پرداختن به همه آن‌ها در حجم موجود نمی‌گنجد، مقاله حاضر تلاش می‌کند بعد هنجاری و عملیاتی موضوع را پررنگ‌تر نماید. البته مرور ساختار و الگوهای نظری موجود در این زمینه، یعنی مطالعه نظریات منطقه‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و پیامدهای آن، تا حدودی باید‌ها و نیاید‌های الگوی مطلوب را تعیین می‌کند؛ اما این نوشتار تلاش دارد چارچوب منطقه‌گرایی را علاوه بر تجارب و نظرات موجود، از بطن بیانیه گام دوم انقلاب در ترسیم وضع کنونی و آینده نظام جمهوری اسلامی ایران بیابد. با این سؤال که با توجه به چالش‌های متنوع منطقه‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، بیانیه گام دوم کدام بستر بازی (بستر ایدئولوژیک، علم و فناوری، نظامی و دفاعی و...) و تعامل را مناسب کنش‌گری کشور می‌داند؟ همچنین چه اصول و هنجارهایی را پیش‌روی سیاست‌گذاران و تصمیم‌سازان می‌گذارد؟ و درنهایت در راستای تحقق این الگوی منطقه‌گرایی چه الزامات نهادی مناسب است؟ بدین منظور، با تحلیل محتوای متن بیانیه و به‌کارگیری نظریات علمی و تجارب موجود تلاش خواهد شد الگوی منطقه‌گرایی، الزامات نهادی و اجرایی آن تدوین گردد.

۱- الگوهای منطقه‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و مسائل آن

از بدو شکل‌گیری جمهوری اسلامی ایران تاکنون یکی از مسائل اساسی در حوزه سیاست خارجی، چارچوب تعاملات منطقه‌ای و چگونگی تحقق منافع ملی و فراملی کشور در منطقه غرب آسیا و محیط همسایگی بوده‌است. عوامل گوناگونی در روش، الگوهای رفتاری و انتخاب بازی تأثیرگذارند که بخش مهم آن، ناشی از ذهنیت هویتی ایران از خود بوده‌است. زیرا از منظر سازه‌انگاری، هویت کنش‌گر سیاسی و چارچوب انگاره‌ها و پنداشت او از «خود ملی» و قابلیت‌ها و مسئولیت‌های آن در حوزه فراسرزمینی، بر حوزه و گستره عمل او تأثیرگذار است (Onuf, 1989; kratochwil, 2007). این ذهنیت، مجوز راهبردهای مختلفی را صادر می‌کند؛ انزواگرایی، مداخله و رفتارهای تهاجمی علیه همسایگان، بی‌طرفی، طرد و یا انفعال در محیط پیرامونی به تعریف دولت‌ها از «خود» و «دیگری» بستگی دارد که این ذهنیت در پیوستاری از پاسخ تلافی‌جویانه، مخاصمه، همراهی،

همکاری و تمایل به ائتلاف بازتاب دارد. هرچه این ذهنیت، استثنایی و به لحاظ هویتی متمایز باشد، احتمال کاهش همکاری و همگرایی منطقه‌ای بیشتر است.

۱-۱) الگوی انزواگرایی

اتخاذ الگوی انزواگرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی به تصویر متمایز ایران در مقایسه با دیگر بازیگران منطقه‌ای بازمی‌گردد. در این الگوی رفتاری، پیشبرد منطقه‌گرایی فعال برای ایران امری بسیار سخت و شکننده است. تصویر تنها و نامتجانس از ایران، به دلیل تسلط انگاره‌های ایران باستان یا اسلام شیعی و نیز زبان متفاوت، نمی‌تواند توفیق چندانی در میان اکثریت سنی‌مذهب با تفکرات پان‌عریسم داشته باشد. ایران در دو نظام شاهنشاهی و جمهوری اسلامی درگیر این راهبرد در منطقه‌گرایی بوده‌است (برزگر، ۱۳۹۴ «ب»). مطلوبیت رفتاری در این الگو، جهان‌گرایی با اولویت کشورهای غربی و پیشتاز در امر توسعه و تولید ثروت می‌باشد. تمرکز انرژی ارتباطی و دیپلماسی رسمی بر اروپا و آمریکا لزوماً به یک رابطه برد- برد و متقارن منتهی نمی‌شود؛ دست برتر آنان در تولید ثروت و دانش، اغلب جایگاه کشورهای در حال توسعه را در حاشیه و پیرامون نظام جهانی تثبیت می‌کند. در هر حال، هنجار اصلی در این باره، دور ماندن ایران از مسائل پرهزینه جهان اسلام و کشورهای عرب منطقه است.

۱-۲) الگوی آرمان‌گرایی - ایدئولوژیک

انقلاب‌های بزرگ همواره با مقوله صدور انقلاب و لزوم بازتاب الگوهای جدید سیاسی و اجتماعی به محیط پیرامونی عجین بوده‌است (مظفری و موسوی‌زاده، ۱۳۹۰، ص. ۵۰). غلبه آرمان‌گرایی در ابتدای شکل‌گیری دولت‌های انقلابی امری طبیعی است به طوری که، بازخورد آن در عرصه سیاست خارجی، منطقه‌گرایی ایدئولوژیک می‌باشد. از این رو، فارغ از مقدمات و محذورات ملی و شناخت محیط سیاسی، اجتماعی، و محیط همسایگی و منطقه‌ای و نیز بدون ارزیابی تفاسیر احتمالی دیگران، اقدام می‌شود. گروه‌های هدف در این تعاملات، نیروهای اجتماعی و دولت‌هایی با همسویی هویتی هستند. تعامل و نفوذ در میان شیعیان منطقه در تفسیر اکثریت غیرهمسو، به ایجاد ایران‌هراسی کمک کرده‌است. تعمیق این انگاره‌ها با حمایت قدرت‌های فرامنطقه‌ای، منشأ ایجاد تنش و بحران در میان کشورهای منطقه شده‌است؛ زیرا دیگر بازیگران، ایران را به دلیل صدور آرمان‌های ایدئولوژیک و فراملی، متهم به مداخله‌گری و رفتارهای بحران‌آفرین کرده‌اند (برزگر، ۱۳۹۴ «ب»، صص. ۱۳-۱۷۹؛ همو، ۱۳۸۸ «الف»، ص. ۱۲۹).



اصلاح این ذهنیت نیازمند تلاش مضاعفی خواهد بود.

۳-۱) الگوی واقع‌گرایی جدید

این الگو با آگاهی از تمایزات هویتی و رد انزواگرایی و غرب‌گرایی، معتقد است در راهبردی هوشمندانه، هم‌زمان می‌توان تمام قابلیت‌های هم‌افزای کشور و منطقه را در جهت ایجاد شبکه تعاملی در منطقه به کار بست. بدین معنا که قابلیت‌های ژئوپلیتیکی، اقتصادی، فرهنگی و فناورانه هم‌زمان می‌توانند موضوع تعامل بازیگران منطقه‌ای باشند. در چارچوب رئالیسم تدافعی^۱ مسائل امنیتی نیز، در کنار حوزه‌های دیگر، می‌تواند زمینه مبارزه با تهدید مشترک باشد. همچنین قابلیت‌های فنی و اقتصادی می‌تواند بازی تعامل کشورها را به سوی حاصل جمع مضاعف تقویت نماید. از این منظر هوشمندانه، با پرهیز از ایجاد تصاویر هویتی از جنس قومیت و مذهب، این مدعا مطرح است که امنیت و توسعه ایران، امنیت و توسعه منطقه خواهد بود و عدم امنیت و توسعه منطقه به‌ویژه محیط همسایگی یعنی سرریز بحران، ناامنی و عقب‌ماندگی به کشور (برزگر، ۱۳۸۸ «الف»). قدرت هوشمند ایجادشده در این الگو، مبتنی بر نیروی اقناعی است که از مسیر حل بحران‌های امنیتی و اقتصادی منطقه جذب و تکثیر می‌شود.

با وجود نظریات فوق، منطقه‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی همواره با مسائل ساختاری خاص خود مواجه است: قرار گرفتن در کمر بند شکننده بحران و ناامنی خاورمیانه، گرایش‌های متنوع و متضاد کشورهای پیرامونی نسبت به قدرت‌های فرامنطقه‌ای، تعدد دولت‌های دست‌نشانده و ضعیف^۲ که قادر به تصمیم‌سازی قدرتمند و مستقل در سیاست خارجی نیستند، مداخلات قدرت‌های فرامنطقه‌ای، وجود نیروهای متنوع اجتماعی و سیاسی منطقه‌ای که گاهی اثرگذاری منطقه‌ای و جهانی آن‌ها بیش از دولت‌های متبوع‌شان است و ضعف توسعه‌یافتگی اقتصادی، اجتماعی و بحران‌های اقلیمی و مالی شرایطی را به وجود می‌آورد که هرچند در ظاهر اتخاذ و اجرای هر نوع راهبرد منطقه‌گرایی را سخت می‌نماید، لیکن در بطن آن با فرصت‌های پیدا و پنهان، می‌تواند دستمایه راهبردهای عمل‌گرایانه شود. سؤال مهم آن است که در شرایط مذکور، کشوری با مختصات هویتی ایران با جهت‌گیری خاص، کدامین مدل منطقه‌گرایی را می‌تواند

1. Defensive realism.

2. Failed State.



به‌عنوان راهبرد سیاست خارجی خود قرار دهد؟ و کدامین بستر منطقه‌گرایی، قدرت منطقه‌ای ایران را در آینده پیش‌رو حفظ خواهد کرد؟ الزامات هنجاری و نهادی آن کدام است؟

۲- علم و فناوری زمینه اصلی منطقه‌گرایی جمهوری اسلامی ایران

همان‌طور که بیان شد، هر نوع الگوی رفتاری در منطقه‌گرایی و سیاست خارجی نیازمند انتخاب بستر مناسب بازی‌ای است که در آن بازیگران منطقه‌ای، انگیزه و رغبت کامل برای تعامل و مشارکت دوجانبه و چندجانبه داشته باشند. «نیاز» و «مزیت نسبی»^۱ دو عنصر ضروری انگیزه‌اند؛ ارتباطات در بستر نیاز در رفع مشکل از یک سو و توانایی و قدرت حل مسئله از سوی دیگر استوار است. در شرایطی که منطقه غرب آسیا و محیط همسایگی ایران با بحران‌های سیاسی و امنیتی دست به گریبان و توسعه اقتصادی و زیربنایی در آن عقب‌مانده است، نیاز به بنای زیرساخت‌های مادی و فنی در اوج خود قرار می‌گیرد. همچنین، اهتمام جمهوری اسلامی پس از انقلاب به ایجاد و توسعه علم و دانش و تدبیر زیرساخت‌های بنیادین، تجربه ارزشمندی است که می‌تواند به‌عنوان مزیت نسبی در اختیار مشتریان منطقه‌ای قرار گیرد.

۲-۱) زیرساخت‌های دانش‌بنیان کشور

براساس بیانیه گام دوم انقلاب، ظرفیت علمی و فناوریانه کشور، زمینه مناسبی در تقویت منطقه‌گرایی و جهت‌دهی عزم بازیگران به‌سوی همکاری و توسعه اقتصادی دانش‌بنیان می‌باشد. در این منظر، علم و دانش به‌عنوان منبع اصلی قدرت و منشأ اقتدار و نفوذ منطقه‌ای، می‌تواند در اولویت تعاملات بین‌المللی و منطقه‌ای باشد. ایده‌آلی که پای محکمی در واقعیت دارد. جمهوری اسلامی با ظرفیت‌های دانش‌بنیان متنوع، زمینه تعاملات متقابل منطقه‌ای به‌ویژه حوزه همسایگی را فراهم می‌کند؛ این به‌سبب مزیت نسبی و پیش‌رو بودن ایران در عرصه علم و فناوری است. رهبری انقلاب در جای‌جای متن بیانیه با اشاره به این توانمندی‌ها و ظرفیت‌ها، آن را مایه عزت، اقتدار و نفوذ منطقه‌ای ایران می‌داند. این عرصه‌ها عبارتند از:

- شرکت‌های دانش‌بنیان؛



- زیرساخت‌های عمرانی و حمل‌ونقل؛
 - زیرساخت‌های صنعتی و معدنی؛
 - مرجعیت علمی در عرصه سلامت و بهداشت؛
 - حوزه کشاورزی و آب؛
 - عرصه آموزش عالی و مراکز متعدد علمی؛
 - برتری در دانش هسته‌ای، سلول‌های بنیادی، فناوری نانو، زیست‌فناوری، هوافضا و صنایع دفاعی؛
 - سرمایه انسانی آموزش‌دیده اعم از مهندسان، پزشکان و نوآوران.
- از منظر رهبر انقلاب، موارد اشاره‌شده تجربیات گران‌بهایی است که موجب افزایش اثرگذاری در مناسبات منطقه‌ای و جهانی می‌شود:



حصول تلاش چهل‌ساله، اکنون برابر چشم ماست: کشور و ملتی مستقل، آزاد، مقتدر، باعزت، متدین، پیشرفته در علم، انباشته از تجربه‌هایی گران‌بها، مطمئن و امیدوار، دارای تأثیر اساسی در منطقه و دارای منطق قوی در مسائل جهانی، رکورددار در شتاب پیشرفت‌های علمی، رکورددار در رسیدن به رتبه‌های بالا در دانش‌ها و فناوری‌های مهم از قبیل هسته‌ای و سلول‌های بنیادی و نانو و هوافضا و امثال آن، سرآمد در گسترش خدمات اجتماعی، سرآمد در انگیزه‌های جهادی میان جوانان، سرآمد در جمعیت جوان کارآمد و بسی ویژگی‌های افتخارآمیز دیگر که همگی محصول انقلاب و نتیجه جهت‌گیری‌های انقلابی و جهادی است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۷ «ب»)

موقعیت ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ثروت‌های طبیعی کشور مزیت نسبی دیگری است که می‌تواند در طراحی منطقه‌گرایی با موضوعات متکثر تعاملی مورد توجه قرار گیرد و بسیاری از مشکلات اقتصادی را برطرف نماید: «ایران با دارا بودن یک درصد جمعیت جهان، هفت درصد ذخایر معدنی دنیا را در اختیار دارد: منابع عظیم زیرزمینی، موقعیت استثنائی جغرافیایی میان شرق و غرب و شمال و جنوب، بازار بزرگ ملی، بازار بزرگ منطقه‌ای با داشتن ۱۵ همسایه و ۶۰۰ میلیون جمعیت، سواحل دریایی طولانی، حاصلخیزی زمین با محصولات متنوع کشاورزی و باغی، اقتصاد بزرگ و متنوع» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷ «ب»)، ظرفیت‌های دست‌نخورده و کمتر استفاده‌شده‌ای دارد که در چارچوب منطقه‌گرایی فعال خواهد شد. در غیر این صورت، وضعیت اقتصادی نابسامان کنونی، نه تنها موجب تشدید فقر و بیکاری، بلکه زمینه بالقوه نفوذ و سلطه‌پذیری را فراهم می‌آورد. به

بیان ایشان، اقتصاد کشور علی‌رغم تلاش‌های متعدد، وضعیت نابسامانی دارد که با فعال نمودن ظرفیت‌های موجود از طریق مدیریت جهادی، موجب قدرت و عزت کشور خواهد شد. با وجود این، تجربه انقلاب اسلامی الگوی مناسب ترویج محرومیت‌زدایی و خدمات‌رسانی است:

جمهوری اسلامی در شمار موفق‌ترین حاکمیت‌های جهان در جابه‌جایی خدمت و ثروت از مرکز به همه‌جای کشور و از مناطق مرفه‌نشین شهرها به مناطق پایین‌دست آن بوده‌است. آمار بزرگ راه‌سازی و خانه‌سازی و ایجاد مراکز صنعتی و اصلاح امور کشاورزی و رساندن برق و آب و مراکز درمانی و واحدهای دانشگاهی و سد و نیروگاه و امثال آن به دورترین مناطق کشور، حقیقتاً افتخارآفرین است؛ بی‌شک این همه، نه در تبلیغات نارسای مسئولان انعکاس یافته و نه زبان بدخواهان خارجی و داخلی به آن اعتراف کرده‌است؛ ولی هست و حسنه‌ای برای مدیران جهادی و با اخلاص نزد خدا و خلق است. البته عدالت مورد انتظار در جمهوری اسلامی که مایل است پیرو حکومت علوی شناخته شود، بسی برتر از این‌هاست و چشم امید برای اجرای آن به شما جوان‌ها است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۷ «ب»)

۲-۲. سرمایه انسانی متناسب

در این بستر تعاملی، کارگزاران و نیروی انسانی اصیل، فرهیخته و پرامید در کنار ظرفیت‌های طبیعی و فناورانه کشور می‌بایست مورد توجه قرار گیرند. منطقه‌گرایی فناورانه و علمی می‌تواند ظرفیت نیروی انسانی و جوان کشور را در جریان تولید ثروت و سازندگی بسیج کند. لذا توجه به این ظرفیت‌گران‌بها در منطقه‌گرایی، یک نقطه عطف محسوب می‌شود. به بیان ایشان در کشور ایران، ظرفیت‌های انسانی با غفلت متصدیان بی‌استفاده و کم‌استفاده مانده‌است و همت بلند آنان می‌تواند جهت پیشرفت مادی به کار گرفته شود:

مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور، نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی است. جمعیت جوان زیر ۴۰ سال که بخش مهمی از آن نتیجه موج جمعیتی ایجادشده در دهه ۶۰ است، فرصت ارزشمندی برای کشور است. ۳۶ میلیون نفر در سنین میانه ۱۵ و ۴۰ سالگی، نزدیک به ۱۴ میلیون نفر دارای تحصیلات عالی، رتبه دوم جهان در دانش‌آموختگان علوم و مهندسی، انبوه جوانانی که با روحیه انقلابی رشد کرده و آماده تلاش جهادی برای کشورند و جمع چشمگیر جوانان محقق و اندیشمندی که به آفرینش‌های علمی و فرهنگی و صنعتی و غیره اشتغال دارند؛ اینها ثروت عظیمی برای کشور است که هیچ اندوخته مادی با آن [قابل] مقایسه نمی‌تواند باشد. (خامنه‌ای، ۱۳۹۷ «ب»)



۳



۳- چارچوب هنجاری منطقه‌گرایی دانش‌بنیان

۳-۱) اصلاح انگاره‌های مبتنی بر ایران‌هراسی

هنجارها معطوف به بایدها و نبایدهایی است که از ذهنیت و هویت کنش‌گران بین‌المللی آغاز می‌شود و به سمت چارچوب‌های رفتاری گسترش می‌یابد. لذا قدم نخست در ایجاد منطقه‌گرایی دانش‌بنیان، ایجاد تصویر مناسب از «خود» برای «دیگران» است؛ لازمه آن، توجه به رسوبات ذهنی دیگران مبنی بر احساس هراس و دشمنی و اصلاح آن با تصویر مناسب و تنش‌زدا است. زیرا تفسیر کنش‌گران اجتماعی، اعم از افراد و دولت‌ها، چارچوبی از خود و جهان پیرامونی‌شان می‌سازد که براساس آن، کنش‌ها و واکنش‌های متقابل را ارزیابی می‌کنند. کنش‌گران با بهره‌گیری از این چارچوب که «هویت» نام دارد، گذشته و حال خود را معنا و اهداف آینده خویش را تعیین می‌کنند، خود و دیگران را بر پیوستاری از دوستی و دشمنی قرار می‌دهند و وجوه تمایز «خود» با «آنها» را در مرزی میان خود و دیگری بازنمایی می‌کنند. گاهی این تصاویر، بازگوکننده هویتی منحصر به فرد است که دولت و یا ملتی، به لحاظ برخورداری از توانمندی‌های مادی، اقتصادی و فرهنگی، پنداشت از «خود» را متمایز ارزیابی می‌کنند (Appleby, 1992, P. 419; Bell, 1991, P.51; Davis & Lynn-Jones, 1987, P.20).

سیاست خارجی به واسطه این ارزیابی، واجد رفتارهای خاصی می‌شود و دولت‌ها به سبب این ویژگی‌ها، خود را پیش‌گام در تحولات و تعاملات بین‌المللی و منطقه‌ای معرفی می‌کنند. این انگاره‌ها، که معمولاً به صورت یک گفتمان فراگیر عمل می‌کند، در اسطوره‌ها، تجارب تاریخی، فرهنگی و مذهبی و یا تفاسیر و داستان‌های یک ملت، درباره خود و دیگران ریشه دارد (Lloyd, 2014, P.6). برای نمونه، برخی ملت‌ها به دلیل پیشینه تاریخی - تمدنی، میراث معنوی - فکری و یا ویژگی‌های جغرافیایی - نژادی و زبانی، خود را شایسته تکریم، احترام و محوریت در صحنه بین‌المللی می‌دانند.

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در اهداف، مبانی و اصول، ویژگی‌های هویتی متمایزی دارد. وحدت جهان اسلام و تشکیل امت واحده نمونه مطلوبی است که در سیاست خارجی باید لحاظ گردد. با پیروزی انقلاب اسلامی، سیاست خارجی ایران با گزاره‌های متنوعی از اندیشه سیاسی شیعی درهم آمیخت و در اشکال مختلف به‌عنوان یک دولت منحصر به فرد و پیش‌رو در غلبه بر استکبار و استبداد نمود یافت؛ در بیانات رهبر انقلاب آمده است:

جمهوری اسلامی یعنی نظام مردمی مستقل، مبتنی بر ارزش‌های اصیل، مبتنی بر آزادی فکر و عدالت اجتماعی، یک هدیه الهی به ملت ایران است. خدای متعال این هدیه را مفت و مجانی به ملت ایران نداده است. نسل‌هایی تلاش کردند، نسل قبل از شما مجاهدت سخت و دشواری را متحمل شدند، خدای متعال هم وعده کرده است که برای مجاهدت پادشاه قائل است. پادشاه نه فقط اخروی است بلکه در همین نشئه زندگی هم پادشاه داده می‌شود. (خامنه‌ای، ۱۳۸۴ «الف»)

این انگاره‌ها، مطلوب و مورد تأیید همسایگان و قدرت‌های بزرگ جهانی نبوده است و ایران، به‌عنوان نماینده شیعیان و رهبر مبارزه با امپریالیسم آمریکا، با برخوردهای منفی امنیتی، سیاسی و رسانه‌ای آنان مواجه شده است. به عبارت دیگر، مهم‌ترین بازتاب استثناگرایی در هویت ایرانی، ایجاد بحران در منطقه‌گرایی سیاست خارجی ایران است. این بحران بیش از آنکه معلول مستقیم استثناگرایی ایرانی در حوزه عمل باشد، ناشی از تفاسیر قدرت‌های بزرگ و دولت‌های همسایه و منطقه از هویت متمایز ایرانی است، به‌نحوی که در رفتارهای خصمانه آن‌ها در طول حدود چهار سال از انقلاب ملاحظه می‌گردد. پرواضح است با پیروزی انقلاب ایران، قدرت‌های غربی به رهبری آمریکا، بسیاری از منافع خود در ایران، منطقه و جهان را از دست دادند. همچنین کشورهای وابسته و اقتدارگرای منطقه، به دلیل تهدید هویت اقتدارگرایانه و وابسته‌شان توسط الگوی انقلابی - اسلامی، دولتی با ساختار و محتوای مردم‌سالاری دینی و متمایز را در میان خود برنتابیدند. لذا هویت استثنایی جمهوری اسلامی نزد برخی کشورهای منطقه، تصویر کشوری اهریمنی، متخاصم و دشمنی غیرعقلانی بود که سیستم و ایدئولوژی بنیادگرا و متعصبانه دارد (Ferrero, 2013, P.43). دولت‌مردان امریکایی همواره بر این هراس دامن می‌زنند که ایران برخلاف اراده کشورهای منطقه، در صدد است بانفوذترین دولت خاورمیانه شود (احتشامی، ۱۳۷۸، ص. ۱۴۰). تقلیل تصویر ایران از خود به برچسب‌های قومی و ایدئولوژیک، سازه تفسیری نادرستی است که با هدف ایران‌هراسی تبلیغ می‌شود و هر نوع اقدامی با تعبیر خیزش شیعیان برای تصرف خاورمیانه و ترویج شیعی‌گری مترادف می‌گردد (توال، ۱۳۸۴، صص. ۱۶-۲۱). در چنین شرایطی، می‌توان با تصویر جایگزین و مناسبی از کنش‌گری ایران در منطقه، اراده‌ها را به سمت همکاری‌های متنوع با ایران متمایل نمود.



۳



۲-۳) کنش‌گری منعطف

خطاب بیانیه دوم انقلاب به ملت ایران، به‌ویژه جوانان، می‌باشد و حاوی گزاره‌هایی است که با ترسیم چهره پیش‌رو، پرامید و عزت‌مند از ایران، به واقعیات دورمانده از ایده‌آل‌ها نیز توجه دارد. در این قاب، چهره بی‌نقص، غیرمنعطف و منفعل جایگاهی ندارد، بلکه ایران و نظام اسلامی همچون موجودی زنده و پرنشاط «همواره انعطاف‌پذیر و آماده تصحیح خطاهای خویش» است که «به نقدها حساسیت مثبت نشان می‌دهد». در مقدمه این بیانیه نیز آمده است: «انقلاب اسلامی همچنان نیازمند خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی است و در این مسیر از اصول خود دور نخواهد شد. در این چارچوب رهبر انقلاب تأکید دارند «جمهوری اسلامی، متحجّر و دربرابر پدیده‌ها و موقعیت‌های نوبه‌نو، فاقد احساس و ادراک نیست» و با مدنظر داشتن فاصله میان واقعیت‌ها با وضع مطلوب، در تحقق مطلوبیت‌ها خواهد کوشید. این گزاره‌ها در بستر مطالعات منطقه‌ای و طراحی استراتژیک، درک مقتضیات زمان درعین پویایی و تلاش برای تحقق وضعیت بهتر سیاست خارجی است. در مواجهه با گزاره‌های مذکور، برخی دعاوی که ایران را به آرمان‌گرایی افراطی متهم می‌نمایند، ابطال می‌شوند.

ایشان در بیان انعطاف‌پذیری در منطق رفتار منطقه‌گرایی جمهوری اسلامی به داده‌های میدانی و تاریخی‌ای اشاره می‌کنند که براساس آن، نه‌تنها ایران حکومتی متجاوز و متخاصم نبوده، بلکه باوجود قدرت پاسخ، انتخاب گزینه انعطاف و گذشت در مواقع لازم، با اعلام موضع مصمم و صریح، از کیان سرزمینی و ارزشی خود دفاع نموده است:

انقلاب اسلامی ملت ایران، قدرتمند اما مهربان و باگذشت و حتی مظلوم بوده است. مرتکب افراط‌ها و چپ‌روی‌هایی که مایه ننگ بسیاری از قیام‌ها و جنبش‌هاست، نشده است. در هیچ معرکه‌ای حتی با آمریکا و صدام، گلوله اول را شلیک نکرده و در همه موارد، پس از حمله دشمن از خود دفاع کرده و البته ضربت متقابل را محکم فرود آورده است. این انقلاب از آغاز تا امروز نه بی‌رحم و خون‌ریز بوده و نه منفعل و مردّد. باصراحت و شجاعت دربرابر زورگویان و گردن‌کشان ایستاده و از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده است. این جوانمردی و مروّت انقلابی، این صداقت و صراحت و اقتدار، این دامنه عمل جهانی و منطقه‌ای در کنار مظلومان جهان، مایه سربلندی ایران و ایرانی است و همواره چنین باد. (خامنه‌ای، ۱۳۹۷ «ب»)

از منظر ایشان، تلاش برای ایران‌هراسی و ترساندن ملت‌های منطقه از تعامل و

همگرایی با ایران، ناشی از واقعیت تقابل دوگانه «اسلام و استکبار» است که نظم نوینی در منطقه و جهان ایجاد کرد که راه سوم و مستقل از نظام دوقطبی را پیش‌روی ملت‌های آزادی‌خواه قرار داد:

پس آنگاه انقلاب ملت ایران، جهان دوقطبی آن روز را به جهان سه‌قطبی تبدیل کرد و سپس با سقوط و حذف شوروی و اقمارش و پدید آمدن قطب‌های جدید قدرت، تقابل دوگانه جدید «اسلام و استکبار» پدیده برجسته جهان معاصر و کانون توجه جهانیان شد. از سویی، نگاه امیدوارانه ملت‌های زیر ستم و جریان‌های آزادی‌خواه جهان و برخی دولت‌های مایل به استقلال و از سویی نگاه کینه‌ورزانه و بدخواهانه رژیم‌های زورگو و قلدرهای باج‌طلب عالم، بدان دوخته شد. بدین‌گونه مسیر جهان تغییر یافت و زلزله انقلاب، فرعون‌های در بسترِ راحت آرمیده را بیدار کرد؛ دشمنی‌ها با همه شدت آغاز شد و اگر نبود قدرت عظیم ایمان و انگیزه این ملت و رهبری آسمانی و تأییدشده امام عظیم‌الشأن ما، تاب‌آوردن در برابر آن همه خصومت و شقاوت و توطئه و خباثت، امکان‌پذیر نمی‌شد. (خامنه‌ای، ۱۳۹۷ «ب»)

۳-۳) کنش‌گری تحول‌خواه و پیش‌رو در علم

باوجود دشمنی‌ها و موانع پرشمار علیه جمهوری اسلامی، مطابق بیانیه گام دوم، استقلال‌خواهی به‌معنای انفعال و در خود فرورفتن نیست، و لازم است با رهایی از حصار فکری، قابلیت‌های علمی، فناورانه، عمرانی و اجتماعی خویش را عرضه نمود: «استقلال» نباید به‌معنی زندانی کردن سیاست و اقتصاد کشور در میان مرزهای خود، تعریف شود. «بیانیه گام دوم انقلاب» انگیزه حرکت به سمت پویایی و خروج از انفعال، تکیه‌بر دانایی و علم است؛ زیرا جمهوری اسلامی در مقایسه با بسیاری از کشورهای منطقه و حتی جهان در این عرصه پیش‌رو بوده‌است. ضمن آنکه قدرت‌آفرینی ذاتی دانایی، بدون نیاز به ابزارها و رویه‌های نامشروع، تهاجمی و خشونت‌بار، موجب نفوذ و اقتدار کشور در منطقه خواهد شد:

دانش، آشکارترین وسیله عزت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت دو‌یست‌ساله فراهم کند و باوجود تهیدستی در بنیان‌های اخلاقی و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب‌مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آن‌ها را به‌دست گیرد. ما به سوءاستفاده از دانش مانند آنچه غرب کرد، توصیه نمی‌کنیم، اما مؤکداً



۳



به نیاز کشور به جوشاندن چشمه دانش در میان خود اصرار می‌ورزیم. بحمدالله استعداد علم و تحقیق در ملت ما از متوسط جهان بالاتر است. اکنون نزدیک به دو دهه است که رستاخیز علمی در کشور آغاز شده و با سرعتی که برای ناظران جهانی غافلگیرکننده بود - یعنی یازده برابر شتاب رشد متوسط علم در جهان - به پیش رفته‌است. دستاوردهای دانش و فناوری ما در این مدت که ما را به رتبه شانزدهم در میان بیش از دویست کشور جهان رسانید و مایه شگفتی ناظران جهانی شد و در برخی از رشته‌های حساس و نوپدید به رتبه‌های نخستین ارتقا داد، همه‌وهمه درحالی اتفاق افتاده که کشور دچار تحریم مالی و تحریم علمی بوده‌است. ما باوجود شنا درجهت مخالف جریان دشمن‌ساز، به رکوردهای بزرگ دست یافته‌ایم و این نعمت بزرگی است...» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷ «ب»)

۳-۴) اعتمادسازی براساس صراحت و مسئولیت‌پذیری

اعتماد بنیان هر نوع رابطه اجتماعی و سیاسی است؛ شکل‌گیری و دوام شبکه‌های ارتباطی در منطقه‌گرایی نیز از همین اصل پیروی می‌کند. گروه‌ها و واحدهای ناهمسان با علایق و هویت‌های مختلف، اعتماد عمیق و تعمیم‌یافته‌ای ندارند، بلکه نوعی اعتماد مدنی است که جوامع ناهمگون فارغ از تنوعات هویتی و تنش‌های وجودی، در فضایی از همکاری و مشارکت حرکت می‌کنند. اعتماد از مفصل‌بندی مفاهیمی چون انتظار، حمایت و حسن‌ظن به دیگری ساخته شده‌است که در تعاملات اجتماعی می‌توان به‌صورت صداقت، صراحت، احترام به ارزش‌های مقابل، حمایت از شایستگی‌های دیگری، همیاری و احساس مسئولیت ملاحظه نمود (بیدل و محمودزاده، ۱۳۹۱، ص. ۴۷). در بیانیه گام دوم نیز رهبری، چهره مسئولیت‌پذیر، صریح و باگذشتی از جمهوری اسلامی بازنمایی کرده‌است که در دفاع از منافع ملت‌های منطقه، به‌ویژه ملت‌های ستم‌دیده، به‌کار خواهد بست. بالطبع، هرچه اهتمام کشورهای منطقه به رعایت قواعد هنجاری بیشتر باشد، منافع بیشتری از آن ملت‌ها خواهد شد:

این جوانمردی و مروّت انقلابی، این صداقت و صراحت و اقتدار، این دامنه عمل جهانی و منطقه‌ای در کنار مظلومان جهان، مایه سربلندی ایران و ایرانی است و همواره چنین باد. (خامنه‌ای، ۱۳۹۷ «ب»)

بی‌شک، ایجاد هر نوع همکاری متقابل و مسئولیت‌پذیری طرفین درقبال تعهدات، احتمال استمرار، تکرار و گسترش آن را بالا می‌برد و هر نوع عهدشکنی، نه‌تنها یک ضدارزش دینی و اخلاقی است که به‌تدریج ظن و دشمنی را نیز گسترش خواهد داد. لذا

در ارتباط با همسایگان و دولت‌های منطقه باید به مقوله مسئولیت‌پذیری و حسن انجام کارها توجه ویژه شود. مسئولیت‌پذیری نه تنها به تداوم اعتماد کمک می‌کند که در مواقع بحران و افزایش بی‌ثباتی و اضطراب، کشور را به پناهگاه امن ملت‌ها و دولت‌های بحران‌زده تبدیل خواهد کرد. از این رو، اعتمادسازی نیازمند مقوله‌ای به نام «مدیریت تصویر» است. براساس این ایده، صحنه سیاست خارجی همچون بازاری است که متولیان آن می‌بایست با مدیریت چهره خود و افزایش اعتبار منطقه‌ای و بین‌المللی به‌عنوان دولت و ملت مسئولیت‌پذیر و پاسخگو، بتواند کالاهای موردنظر خود را در معرض تبادل و عرضه قرار دهد و در مقابل، ارزش‌ها و منابع موردنیاز خود را از این بازار کسب کند. البته چنین رویکردی، یعنی «مدیریت تصویر» در سیاست خارجی، نیازمند غیرامنیتی کردن چهره کنش‌گر، ایجاد تصویر عادی و مسالمت‌آمیز از دولت در عرصه بین‌المللی و زدودن تصاویر منفی همچون ایران‌هراسی است که شکل‌گیری اعتماد را مختل می‌سازد. ایجاد و ترویج نمادها و الگوهای تاریخی، فرهنگی و علمی و نمایش ظرفیت‌های اقلیمی، توریستی و بازرگانی در فضای عمومی و مجازی، بسیاری از موانع ذهنی شکل‌گیری شبکه روابط متنوع منطقه‌ای را خنثی و کم‌اثر می‌کند. همان‌طور که بیان شد، عمل به تعهدات بین‌المللی و برجسته‌سازی آن یکی از راه‌های مجاب‌کردن دیگران به همکاری مبتنی بر اعتماد است.

۳-۵) اصل احترام متقابل

همواره در سخنان رهبری و اسناد بالادستی مانند قانون اساسی، تعامل با همسایگان و دولت‌های منطقه و دیگران به شرط احترام متقابل و عدم سلطه‌گری مورد تأکید بوده است. هرچند بنابر ماهیت اسلامی جمهوری اسلامی، انگاره‌های ایدئولوژیک مانند اولویت کشورهای اسلامی در برقراری روابط مطرح است، اما هیچ‌گاه تفاوت‌های مذهبی، نژادی و سیاسی از دایره تعاملات بیرون نبودند، بلکه خارج از انتظار و تبلیغات خارجی، گاهی محور تعاملات ایران، کشورهای غیرهمسو بوده است؛ عمل‌گرایی و واقع‌گرایی ایجاد می‌کند ایران از ایجاد بحران و قوم‌گرایی‌های متعصبانه مذهبی همچون سلفی‌گری و وهابیت جلوگیری نماید و با همکاری در حل بسیاری از بحران‌ها از جمله بحران تاجیکستان، قره‌باغ و بیرون‌راندن داعش از عراق و سوریه، از جنبش‌های فلسطینی سنی‌مذهب نیز، حمایت کرده است، بدون آنکه لزوماً با طرف‌های مذکور قرابت مذهبی یا نژادی داشته باشد.



۳



۳-۶) ایجاد شبکه‌های همکاری‌های فنی و تجاری

منطقه‌گرایی تنها یک شعار نیست و تنها در تصویر و ژست خلاصه نمی‌شود و باید‌ها و نبایدهای رفتاری مستحکمی از آن حمایت می‌کند. بی‌شک، مصلحت توسعه و پیشرفت ایران، بازکردن درب‌های اقتصاد و فناوری به‌رویی بازارهای منطقه و جهان است تا به‌تبع آن، با بهبود وضعیت اقتصادی و معیشتی، سرمایه‌های انسانی در خدمت اعتلای کشور و منطقه استفاده شوند. این مهم با ایجاد شبکه‌های متعدد و متنوع همکاری امکان‌پذیر است و مطلوبیت‌های لازم در رفع توسعه‌نیافتگی زیرساختی بسیاری از کشورهای منطقه و نیاز آنان به آموزش، دانش، فناوری و زیرساخت‌های عمرانی را فراهم می‌کند. اما با وجود کنش‌گران ناهمگون و مداخلات فرامنطقه‌ای، امکان ایجاد هر نوع شبکه تعاملی تقریباً ضعیف و غیرممکن شده‌است.

صاحب‌نظران امور ارتباطی و اجتماعی با ارائه راه‌حل این چالش معتقدند، به‌تدریج اتصالات ضعیف غیرهویتی و فنی می‌تواند پیوندهای پرقدرتی بسازد که بازیگران را به‌سوی تعاملات بیشتر حتی در حوزه‌های سیاسی و امنیتی ترغیب کند. در این خصوص، می‌توان به‌نظریه «قدرت پیوندهای سست»^۱ اشاره کرد (Granovetter, 1973, P.1362). براساس این نظریه، پیوندهای قوی درون‌گروهی با پیروی از اصل همانندی، اغلب افراد مشابه را به‌هم پیوند می‌دهد؛ اما پیوندهای ضعیف می‌تواند افراد و گروه‌های دارای پیشینه‌های فرهنگی و اجتماعی متفاوت را گرد هم آورد. اساساً شبکه‌های ارتباطی مبتنی بر موضوعات فنی و علمی می‌تواند با عبور از حفره‌ها و شکاف‌های هویتی و ایجاد کمترین حساسیت، به حذف دشمنی‌ها و شکاف‌های اجتماعی و هویتی در بلندمدت کمک نماید.

کاربست نظریه پیوندهای سست در چارچوب منطقه‌گرایی دانش‌محور نشان می‌دهد سطوح به‌ظاهر کم‌اهمیتی همچون ملاحظات آموزشی، علمی، مرزی و ترانزیتی، لغو صدور روادید، همکاری‌های فرهنگی، آموزشی و توسعه‌ای در اعتمادسازی و فراهم‌کردن همکاری‌های متنوع کفایت می‌کنند. این دست تعاملات از زیست همسایگی آغاز می‌شوند و به لایه‌ها و سطوح مختلف زیست‌بوم منطقه‌ای امکان تسری دارند. این مدل از

1. The Strength of Weak Ties.



منطقه‌گرایی بر شبکه‌ای متراکم از پیوندهای فنی و توسعه‌ای بنا می‌شود و «کنش‌های متقابل ناهمسان‌گرایانه»^۱ را مدیریت می‌کند. کنش‌های متقابل ناهمسان‌گرایانه در میان افراد و واحدهای اجتماعی و هویتی نامشابه جریان دارد و ویژگی‌های اجتماعی آن‌ها از جهت فرهنگ، تحصیلات، درآمد، جنس، سن، قومیت، مذهب و... متفاوت است. در عین حال، به دلیل درگیری شمار زیادی از آنان در تعاملات غیرهویت‌ی و منابع مادی و اطلاعاتی جاری در آن، با نادیده گرفتن و یا کم‌رنگ نمودن تمایزات هویتی، ضمن همکاری و تعامل با غیرهمسانان، الگوهای مشترک رفتاری هرچند کوتاه مدتی را دنبال می‌کنند (Lin, 2001). تکرار و استمرار این وضعیت می‌تواند در عرصه‌های سیاسی و امنیتی هم وارد شود. در چنین شرایطی، یعنی منطقه‌گرایی علمی و دانش‌محور، با کم‌رنگ شدن عادت‌های طولانی رفتاری ناشی از اعتماد و بی‌اعتمادی به کنش‌گران منطقه‌ای و خارجی، سودمندی تعاملات دوجانبه و چندجانبه ملاک عمل خواهد بود. به دیگر سخن، هرگاه منافع ملی یک کشور اقتضا نماید شبکه ارتباطی خود را با یک منطقه گسترده و یا محدود خواهد کرد، بدون آن‌که انتظارات خود را از همکاری‌ها، اتحادها و ائتلاف‌ها، ابدی و لایتغیر سازد.

۴- الزامات نهادی و اجتماعی منطقه‌گرایی دانش‌بنیان

۴-۱) تقویت دیپلماسی علم و فناوری

دیپلماسی علم و فناوری در سیاست خارجی کشورها، ابزاری است که به‌عنوان مسیر دوم به کمک دیپلماسی رسمی می‌آید و درصدد استفاده از ظرفیت و موضوع علم و فناوری جهت ایجاد تعاملات چندجانبه میان بازیگران بین‌المللی و منطقه‌ای است، تا در نهایت انباشت تجربه و اعتماد در این حوزه به عرصه‌های سیاسی و استراتژیک نیز سرریز گردد (علم برای دیپلماسی). باتوجه به اینکه انتظار می‌رود موضوع اقتصاد دانش‌بنیان و فناوری‌های جدید، سهم قابل توجهی در مناسبات خارجی کشورها در سال‌های آتی داشته باشد، لازم است بدنه سیاست خارجی کشورها به‌ویژه سفارت‌خانه‌ها و نمایندگی‌ها به دانش، اطلاعات و سازوکار مناسب آن تجهیز شود (علم در دیپلماسی). (نوروزی و همکاران، ۱۳۹۹، ص. ۱۲۵) به این ترتیب، محدوده وظایف دستگاه سیاست خارجی کشورها از محدوده متعارف سیاسی و حقوقی به ابعاد فناورانه و علمی و تسهیل تجارت و تعاملات



بین‌المللی در حال گسترش است.

اساساً منطقه‌گرایی دانش‌بنیان و انتخاب زمین بازی علم و فناوری، بدون ابزار دیپلماسی علم و فناوری، در حدّ یک ایده و آرمان باقی خواهد ماند؛ زیرا کارکردهای آن، ایجاد و مدیریت همکاری‌های منطقه‌ای را تسهیل می‌کند. دیپلماسی علم و فناوری از راه‌های تشویقی و تنبیهی، بهبود و بازنگری در روابط، ایجاد وابستگی، بازاریابی، تأمین نیازهای فناورانه و مشارکت در ایجاد معاهدات و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، ابزار مناسب منطقه‌گرایی دانش‌بنیان محسوب می‌شود. برای نمونه، تقویت مناسبات علمی، زیربنای ایجاد اعتماد و بهبود روابط سیاسی است و بازیگران غیرهمسو می‌توانند بحران روابط خویش را از این طریق مدیریت نمایند، ضمن آنکه بخش دانش‌بنیان کشورها، بازارهای موسعی در محیط همسایگی و منطقه‌ای به‌دست خواهند آورد (چهرآزاد، ۱۳۹۸، صص. ۲۰۶ - ۲۰۷).

۴-۲) متناسب‌سازی ساختار وزارت خارجه و نمایندگی‌های آن

هر نیاز اجتماعی - ارتباطی در کنار کارگزار آگاه و قواعد و هنجارهای پایدار، نیازمند نهادسازی و تحقق اراده‌ها و ارزش‌ها در چارچوب نهادی و سازمانی کارآمد است. به‌طور خاص، در حوزه روابط خارجی و مسائل آن، وزارت امور خارجه متولی بخش نهادی اراده حاکمیت به‌سوی مناسبات بین‌المللی و منطقه‌ای است؛ چنانچه ساختار مذکور به‌صورت سنتی و غیرمنعطف هم‌چنان بر رفع نیازهای کلاسیکی چون مناسبات حقوقی - کنسولی و سیاسی متمرکز باشد، نمی‌تواند نیازهای اقتصادی و فناورانه را پوشش دهد. همچنین به‌کارگیری اهرم دیپلماسی علم و فناوری، نیازمند نهادسازی مناسب در وزارت امور خارجه و همراهی آن است. به تازگی ساختار وزارت امور خارجه ایران با مقوله اقتصاد دانش‌بنیان در حال همسازي است و تا پیش از آن، گرایش عمده و اصلی آن به‌شکل منطقه‌ای و موضوعات سیاسی و امنیتی بوده‌است (ظریف، ۱۳۹۹).

در سال ۱۳۹۹ با تشکیل معاونت اقتصادی، ساختار منطقه‌ای وزارت امور خارجه در حال تغییر به ساختار موضوعی است. هرچند برداشتن گام اخیر بسیار ضروری بود، ولی همچنان این تغییرات شکلی نیازمند تعمیق و تحولات بیشتر و استفاده از کارگزاران متخصص است. از این‌رو، استقرار رایزنان علمی و اقتصادی (بازرگانی)^۱ در نمایندگی‌ها و

1. science, economy or commercial attachés.



سفارت‌خانه‌ها یک ضرورت اساسی است. در حالی که امروزه، با عجز شدن توسعه و اقتصاد دانش‌بنیان، بخش علم و فناوری زیربنای توسعه اقتصادی محسوب می‌گردد، دستگاه سیاست خارجی باید به‌عنوان تسهیل‌گر تعاملات مربوطه عمل نماید؛ لذا حضور رایزنان و وابسته‌های اقتصادی و مسلط به حوزه علم و فناوری یک ضرورت اساسی در نمایندگی‌های ایران در کشورهای همسایه و منطقه است.

وابسته‌های علمی و اقتصادی به‌عنوان کارگزاران اصلی منطقه‌گرایی دانش‌بنیان در دستگاه سیاست خارجی، عملکرد منحصر به فردی در پیشبرد اهداف و منافع کشور دارند. آنان به تبادلات تجاری، فنی و علمی کمک می‌کنند، با شناسایی منابع و ارتباطات پیرامونی در تهیه ارقام، فناوری و دانش مورد نیاز کشور سهیم هستند، به تبادل افراد مرتبط با حوزه علم، اقتصاد و تجارت خارجی کمک می‌کنند، نسبت به پیشرفت‌های علمی و اقتصادی محل مأموریت خود و نیز نیازهای زیرساختی آن آگاهی دارند، واسطه مهم ارتباطی میان بخش‌های علمی و تجاری کشور با مجموعه هم‌تراز در کشورهای منطقه هستند و در نهایت می‌توانند با رایزنی و تعامل، بازارها و بسترهای داخلی را به مشتریان و متقاضیان بالفعل و بالقوه خارجی معرفی نمایند. نکته مهم این که ایران رایزن و وابسته علمی در کشورهای منطقه ندارد و تنها ۶ رایزن بازرگانی در کشورهای مختلف (دو رایزن در شهرهای بغداد و بصره، یک رایزن در هریک از کشورهای ترکیه، ارمنستان، آذربایجان و پاکستان) دارد. در حالی که، تعداد رایزن‌ها در کشورهایی نظیر سوئد ۲۳۵ نفر، چین ۲۲۱ نفر، آلمان ۲۱۳ نفر، هند ۱۹۸ نفر، فرانسه ۱۵۶ نفر و آمریکا ۱۵۰ نفر می‌باشد، یعنی به‌طور متوسط ۳۰ برابر تعداد رایزنان ایران در سایر کشورها هستند (مستوفی، ۱۳۹۹؛ نصراللهی، ۱۳۹۹).

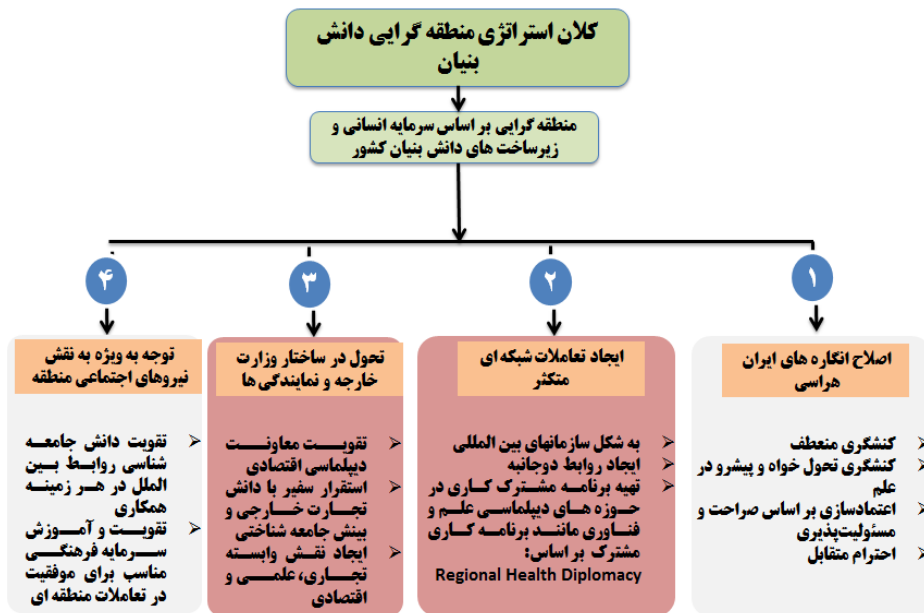
حرکت به سمت منطقه‌گرایی دانش‌بنیان نیازمند سرعت عمل بیشتر و جبران تأخیرهای گذشته است. بخشی از این جاماندگی را می‌توان با مطالعه تجارب موفق کشورهای پیش‌تاز منطقه از جمله ترکیه و امارات متحده عربی و بومی‌سازی از درس‌آموخته‌های آن‌ها جبران نمود. برای نمونه، دپارتمان همکاری‌های بین‌المللی ترکیه به نام «توبیتاک»^۱ در کنار وزارت امور خارجه، مسئول برقراری همکاری‌های



بین‌المللی دوجانبه و چندجانبه در حوزه اقتصاد دانش‌بنیان است. در این تعاملات شبکه‌ای، ضمن کسب اطلاعات و اشتراک‌گذاری دانش موجود، تلاش می‌شود به بازاریابی، ترویج و تجاری‌سازی دانش صاحبان ایده و علم کمک شود (نوروزی و همکاران، ۱۳۹۹، صص. ۱۴۵-۱۴۶).

۳-۴) توجه به نقش نیروهای اجتماعی منطقه

از منظر جامعه‌شناسی روابط بین‌الملل، نیروهای اجتماعی، بازیگران فراملی، در کنار دولت‌ها می‌توانند حوزه روابط بین‌الملل را تحت‌تأثیر قرار دهند. آنان در جریان شکل‌گیری روابط رسمی کشورها می‌توانند به‌عنوان نیروی تسهیل‌کننده یا مداخله‌گر عمل نمایند. گاهی قدرت عمل و اثرگذاری آنان را می‌توان از دولت‌های ملی و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بیشتر دانست (میرحسینی و عیوضی، ۱۳۹۸، ص. ۱۵۷)؛ به‌ویژه در منطقه غرب آسیا گاهی قدرت نیروهای اجتماعی از اقتدار مرکزی بیشتر است (نمونه حشدالشعبی در عراق). براساس این رویکرد، نظم منطقه‌ای و تعاملات بین‌المللی پدیده‌ای اجتماعی‌اند که دامنه آن از سطوح فراملی آغاز می‌شود و به محیط منطقه‌ای و بین‌المللی می‌رسد. در واقع ساختار درونی و بیرونی در جاده‌ای دوطرفه تحولات درونی و بین‌المللی را رقم می‌زنند (Mann, 2003, P.53-64). در ادبیات منطقه‌گرایی نیز این امر به‌شکل‌گیری «جامعه منطقه‌ای» نزدیک است. در این چارچوب، نه‌تنها دولت‌ها که نیروهای اجتماعی منطقه، جامعه مدنی و متنفذان اجتماعی نیز به روند منطقه‌گرایی و افزایش تعاملات کمک می‌کنند (سیمبر، ۱۳۸۵، ص. ۲۵). نیروهای اجتماعی داخلی و منطقه‌ای نیز به‌عنوان کارگزاران منطقه‌گرایان دانش‌بنیان، می‌توانند تسهیل‌کننده تعاملات کشور در محیط منطقه‌ای باشند. اشتراکات مذهبی و فرهنگی میان نیروهای اجتماعی داخلی و منطقه‌ای واسطه تقویت بستر تعاملات رسمی باشد. وظیفه دستگاه خارجی آگاهی از شبکه ارتباطی میان نیروهای اجتماعی داخلی و منطقه‌ای است تا از این فرصت برای جذب همکاری‌های بیشتر بهره‌مند گردد. تصویر زیر نمای الگوی منطقه‌گرایی دانش‌بنیان و الزامات آن را نشان می‌دهد:



نتیجه

در این پژوهش، با مراجعه به بیانیه گام دوم انقلاب و به پشتوانه نظریات علمی موجود، تلاش شد گزاره‌هایی که می‌تواند در تبیین و اجرای منطقه‌گرایی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به کار رود، استخراج و نظم منطقی آن بازسازی شود. هرچند که نمی‌توان این الگو را از تفاسیر علمی نگارنده به دور دانست، ولی تلاش شد با روح حاکم بر بیانیه منطبق باشد و اسلوب و قواعد مندرج در آن، در طراحی ساختار منسجم علمی از منطقه‌گرایی جای‌گذاری شود. بی‌شک هر نوع منطقه‌گرایی با زمینه مناسب کنش و اصول و قواعد رفتاری همراه است. شبکه‌های ارتباطی وقتی به سوی همگرایی، اعتماد و همکاری پیش می‌روند که بر بستر کم‌تنش استوار شوند. به نظر می‌رسد، عمل‌گرایی حاکم بر بیانیه و گزاره‌های خاص آن حول ظرفیت‌های جمهوری اسلامی ایران در حضور مقتدرانه و عزتمند، نشان از زمینه بازی دانش‌محور است که تلاش دارد ظرفیت توسعه‌ای، علمی، نخبگی و آموزشی کشور را به‌عنوان مزیت نسبی و دست برتر ایران در منطقه‌گرایی مبدأ اقدام قرار دهد. شبکه ارتباطی مذکور بدون رعایت هنجارهای رفتاری اعتمادساز و منعطف پیش نخواهد رفت. الگوهای رفتاری در این باره، اصلاح تصاویر منفی

گذشته، ارائه بازیگری مصمم، منعطف و پیش‌رو در علم است. همچنین اعتمادسازی در کنش‌گری صریح، صادق و مسئولیت‌پذیر تحقق می‌یابد.

منطقه‌گرایی بدون پیوست نهادی و اجرایی مناسب، تنها به یک الگوی پژوهشی می‌ماند. لذا به‌روزرسانی نهادی و رویه‌ای وزارت امور خارجه، یکی از مهم‌ترین زمینه‌های اجرایی این الگوست. به‌کارگیری کارگزاران متخصص اقتصادی و وابسته‌های فناوری می‌تواند به‌شکل کارآمدی، منافع ملی ایران در کشورهای منطقه را جستجو و تأمین نمایند. این مهم در بطن دیپلماسی علم و فناوری و تقویت آن رخ می‌دهد. همچنین به‌کارگیری ظرفیت پیشران‌های مقتدر، یعنی نیروهای اجتماعی، مدنی، علمی و اقتصادی منطقه، می‌تواند به تکثیر روابط و تعمیق مناسبت‌های منطقه‌ای کمک چشمگیری نماید تا با رفع سوءتفاهم‌های هویتی، بستر منطقه‌ای‌شدن و ایجاد ائتلاف‌های سیاسی و امنیتی نیز فراهم گردد.



واقعیت جهان پیش‌رو نشان می‌دهد، امروزه کشیدن حصار میان خود و دیگران و انزواگرایی به بهانه استقلال‌طلبی، منطقی است که با توجه به جهانی‌شدن و وابستگی متقابل دولت‌ها و ملت‌ها به یکدیگر کمتر می‌تواند منافع کوتاه‌مدت و بلندمدت یک کشور را تأمین نماید. جمعیت نسبتاً زیاد و نیازهای ضروری آن به غذا، کالاهای اساسی‌ای همچون دارو و ملزومات تکنولوژیک، تجهیزات بهداشتی و پزشکی، حداقل نیازهایی است که بخش اعظم آن در تعامل کشورها با یکدیگر تأمین می‌شود. همچنین دور کردن خطرات زیست‌محیطی، امنیتی و نظامی در منطقهٔ پرچالش خاورمیانه به اراده قدرت ملی و توانمندی‌های داخلی یک کشور منحصر نمی‌شود و لازم است برای مقابله با تهدیدات حیاتی و وجودی ناشی از اقلیم و جغرافیا و نیز رفتارهای تجزیه‌طلبانه و بحران‌آفرین، از ایجاد گروه‌های ارتباطی و برنامه‌های تعاملی دوجانبه و چندجانبه، هرچند به‌شکل موقت و مقطعی، استقبال کرد.

منابع

- احتشامی، ا. (۱۳۷۸). سیاست خارجی ایران در دوران سازندگی. (مترجم: ا. متقی و ز. پوستین‌چی). تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- برزگر، ک. (۱۳۸۸ «الف»). سیاست خارجی ایران از منظر رئالیسم تهاجمی و تدافعی. روابط خارجی، (۱۱)، صص ۱۱۳-۱۵۳.
- برزگر، ک. (۱۳۹۴ «ب»). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه: بین حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و تحولات عربی. تهران: مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی.
- بیدل، پ.؛ محمودزاده، ع.ا. (۱۳۹۱). بررسی میزان تعلق اجتماعی مردم به جامعه ایران و رابطه آن با اعتماد اجتماعی و فردگرایی؛ مطالعه موردی شهر مشهد. تحقیقات فرهنگی، (۲)۵، صص ۳۱-۶۳.
- توال، ف. (۱۳۸۴). ژئوپلیتیک شیعه. (مترجم: ک. باصر). تهران: ویستار.
- چهرآزاد، س. (۱۳۹۸). کاربست دیپلماسی علم و فناوری در روابط بین‌الملل. مطالعات سیاسی، (۴)۵، صص ۱۹۳-۲۱۴.
- خامنه‌ای، س.ع. (۱۳۸۴/۲/۱۹ «الف»). بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان استان کرمان. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3290>
- خامنه‌ای، س.ع. (۱۳۹۷/۱۱/۲۲ «ب»). بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>
- سیمبر، ر. (۱۳۸۵). منطقه‌گرایی و صلح‌سازی در جهان با تأکید بر خلیج فارس. چشم‌انداز جغرافیایی، صص ۱۹-۳۴.
- شیخون، ا.؛ طالبی آرانی، ر. (۱۳۹۹). آینده‌پژوهی منطقه‌گرایی نوین پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس. رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، (۱)۱۲، صص ۹۵-۱۲۴.
- ظریف، م.ج. (۱۳۹۹/۱۰/۳۰). برای تشکیل معاونت اقتصادی در وزارت خارجه کل ساختار را به هم زدیم. قابل دسترس در:



<https://www.farsnews.ir/news>

مستوفی، ف. (۱۳۹۹/۱۱/۱۸). وظایف و مسئولیت‌های رایزن بازرگانی. قابل دسترس در:

<http://otaghiranonline.ir/news2/36867>

مظفری، م.؛ موسوی‌زاده، س.م. (۱۳۹۰). مقایسه مفهوم صدور انقلاب در انقلاب‌های فرانسه و روسیه. *جستارهای سیاسی معاصر*، ۲(۱)، صص ۴۷-۷۱.

میرحسینی، ف.؛ عیوضی، م.ر. (۱۳۹۸). سناریوهای آینده جایگاه ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران در نظام قدرت منطقه‌ای غرب آسیا در افق ۱۴۱۰. *فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج*، سال بیست و دوم، ش ۸۳، تابستان، صص ۱۴۳-۱۶۹.

نصراللهی، ز. (۱۳۹۹/۹/۸). *چند رایزن بازرگانی و اقتصادی در کشورهای همسایه داریم؟* قابل دسترس در:

<https://www.yjc.news>

نوروزی، ع.؛ مهرابی کوشکی، ر.؛ مشایخ، ج. (۱۳۹۹). ایران و چندجانبه‌گرایی راهبردی مبتنی بر دیپلماسی علم: مطالعه تطبیقی حضور ایران، ترکیه، عربستان و مالزی در سازمان‌های بین‌المللی علم و فناوری. *علوم سیاسی*، ۸۹، صص ۱۲۱-۱۵۸.

Appleby, J. (1992). Recovering America's Historic Diversity: Beyond Exceptionalism. *The Journal of American History*, 79(2), P.419-431.

Bell, D. (1991). The 'Heglian Secret': *Civil Society and American Exceptionalism in Shafer*. Byron E.(ed.). Is America Different? A New Look at American Exceptionalism. Oxford: Clarendon Press.

Davis, R.T. & Lynn-Jones, S.M. (1987). City Upon a Hill. *Foreign Policy*, 66.

Ferrero, C. (2013). The Iran Narrative: The Ideational Context of US Foreign Policy Decision-Making toward the Islamic Republic of Iran?. *Iran and the Caucasus*, 17(1), P.41-76.

Granovetter, M. (1973). The Strength of Wak Tiese. *American Journal of Sociology*, 78(6), P.1360- 1380.

Holsti, K.J. (1964). The Concept of Power in the Study of International Relations. *Background*, 7(4). P.179-194.

Kratochwil, F. (2007). *Constructivism: what it is(not) and how it matters*. EUI Florence, Spring.

Lloyd, C. (2014). Introduction: American Exceptionalism, a Reconsideration. *European Journal of American Culture*, 33(3), P.159-164.

Nye, J.S. (2011). Power and foreign policy. *Journal of Political Power*, 4(1), P.9-24.

Onuf, N.G. (1989). *World of Our Making: Rules and Rule in social Theory and International Relations*. Columbia: University of South Carolina Press.

Lin, N. (2001). *Social Capital: A Theory of Social Structure and Action*. Cambridge: Cambridge University Press.





References

- Appleby, J. (1992). Recovering America's Historic Diversity: Beyond Exceptionalism. *The Journal of American History*, 79(2), 419-431.
- Ayatollah Khamenei. (19/2/1384 AP). Statements in meeting with a group of students in Kerman province. Retrieved from: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3290>. [In Persian]
- Ayatollah Khamenei. (22/11/1397 AP). Statement of "The Second Step of the Revolution". Retrieved from: <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>. [In Persian]
- Barzegar, K. (1388 AP). Iran's foreign policy from the perspective of offensive and defensive realism. *Foreign Relations*, 1(1), pp. 113-153. [In Persian]
- Barzegar, K. (1394 AP). Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran in the Middle East: Between the Events of September 11, 2001 and the Arab Developments. Tehran: Center for International Education and Research. [In Persian]
- Bell, D. (1991). The 'Heglian Secret': Civil Society and American Exceptionalism in Shafer. Byron E.(ed.). *Is America Different? A New Look at American Exceptionalism*. Oxford: Clarendon Press.
- Bidel, P., Mahmoodzade, A. (2012). A Study on the Social Belonging of People to Iranian Society and its Relationship with Social Trust and Individualism. *Journal of Iranian Cultural Research*, 5(2), 31-63. doi: 10.7508/ijcr.2012.18.002. [In Persian]
- Chehrazad, S. (1398 AP). Application of science and technology diplomacy in international relations. *Political Studies*, 12(45), pp. 193-214. [In Persian]
- Davis, R.T. & Lynn-Jones, S.M. (1987). *Citty Upon a Hill*. *Foreign Policy*, 66.
- Ehteshami, A. (1378). Iran's foreign policy during the construction period. (A. Mottaqi and Z. Postinchi, Trans.). Tehran: Islamic Revolution Documentation Center. [In Persian]
- Ferrero, C. (2013). The Iran Narrative: The Ideational Context of US Foreign Policy Decision-Making toward the Islamic Republic of Iran'. *Iran and the Caucasus*, 17(1), P.41-76. [In Persian]
- Granovetter, M. (1973). The Strength of Wak Tiese. *American Journal*

- of Sociology, 78(6), P.1360- 1380. [In Persian]
- Holsti, K.J. (1964). The Concept of Power in the Study of International Relations. *Background*, 7(4). 179–194. [In Persian]
- Khalili, M., Mozaffari, M. (2011 AP). A Comparison of the Concepts of “Revolution Export” in French and Russian Revolutions. *Contemporary Political Studies*, 2(1), 47-71. [In Persian]
- Kratochwil, F. (2007). *Constructivism: what it is(not) and how it matters*. EUI Florence, Spring.
- Lin, N. (2001). *Social Capital: A Theory of Social Structure and Action*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Lloyd, C. (2014). Introduction: American Exceptionalism, a Reconsideration. *European Journal of American Culture*, 33(3), P.159-164.
- Mirhoseini, F., eivizi, M. (2019 AP). Scenarios of the geopolitical position of the Islamic Republic of Iran in the West Asian regional power system in 1410. *Basij Strategic Studies*, 22(83), 143-169. [In Persian]
- Mostofi, F. (18/11/1399 AP). Duties and Responsibilities of the Business Advisor. Retrieved from: <http://otaghiranonline.ir/news2/36867>. [In Persian]
- Nasrollahi, Z. (8/9/1399 AP). How many trade and economic advisers do we have in neighboring countries? Retrieved from: <https://www.yjc.news/fa/news/7573205>. [In Persian]
- Norouzi, E., Mehrabi, R., Javad Mashayekh, J. (2020). Iran and Strategic Multilateralism Based on Science Diplomacy: A Comparative Study of the Presence of Iran, Turkey, Saudi Arabia and Malaysia in International Science and Technology Organizations. *Political Science*, 23(Issue 89), 121-158. doi: 10.22081/psq.2020.69263. [In Persian]
- Nye, J. S. (2011). Power and foreign policy. *Journal of Political Power*, 4(1), 9-24.
- Onuf, N. G. (1989). *World of Our Making: Rules and Rule in social Theory and International Relations*. Columbia: University of South Carolina Press.
- Sheikhoun, E., Talebi arani, R. (2020 AP). The Future of New



Regionalism in the Persian Gulf. Political and International Approaches, 12(1), 95-124. doi: 10.29252/piaj.2020.100630. [In Persian]

Simbar, R. (2006 AP). Regionalism and Peace Making in the world with Emphasis on the Persian Gulf. Journal of Studies of Human Settlements Planning, 1(1), 19-34. [In Persian]

Tawal, F. (1384 AP). Shiite geopolitics. (K. Baser, Trans.). Tehran: Wistar. [In Persian]

Zarif, M.J. (30/10/1399 AP). We dismantled the whole structure to form an economic deputy at the State Department. Retrieved from: <https://www.farsnews.ir/news/13991030000092>. [In Persian]

